

دانش پژوه ،

دانشمند

و

فهرست نگاری جهانی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی روز سه‌شنبه هفدهم خردادماه در آئینی از خدمات علمی و فرهنگی دکتر محمدتقی دانش‌پژوه تجلیل کرد. در بزرگداشت این پژوهشگر گرانقدر آقایان دکتر حسن حبیبی، دکتر مهدی محقق و ایرج افشار سخنرانی کردند. آنچه که می‌خوانید متن سخنرانی آقای ایرج افشار است در تجلیل از یک استاد و دوست دیرین.

یکی از روزهای پانز سال ۱۳۲۵ که در دانشکده حقوق درس می‌خواندم برای یافتن کتابی که جویای آن بودم و نمی‌یافتم به میزی که آقای محمدتقی دانش‌پژوه معاون کتابخانه پشت آن نشسته بود و سر در کتابی فرو برده بود نزدیک شدم و سلام کردم. پیش از آن نام ایشان را که بر صدر چند مقاله‌ای که در همان سالها در مجله‌های جلوه و دانشنامه چاپ شده بود دیده بودم. اما هنوز روبرو نشده بودیم و سخنی میانمان نرفته بود. دانش در آن روزگار معاون استاد من دکتر محسن صبا بود که روانش شاد باد. میانشان الفتی تمام درحد دوستی وجود داشت.

سلام من دانش را که به ژرفی و شیدایی غرق در مطالعه کتاب بود به خود آورد. به بالا نگریت و به خوشروئی پرسش‌ها را شنود و مشکل را گشود. بدین صورت که برخاست و شماره

کتاب را در برگه‌دان یافت و به مرحوم مشهدی محمد داد تا کتاب را بیاورد. به من هم با مهریانی گفت هر وقت این‌گونه دشواری داشتید به من مراجعه کنید. اگر کتابی هم بخواهید که نداشته باشیم آن را سفارش می‌دهیم. وظیفه کتابدار همین است. پس از آن هر بار که به ایشان برخوردم سخنان بیشتر گرمی می‌گرفت و دامنه می‌یافت و از مرحله یافتن و دیدن کتاب به مرتبه استفاده علمی از ایشان شد و به پایه‌ای انجامید که باید بگویم ایشان یکی از استادان من بوده است.

از آن روزگاران تاکنون که چهل و هفت سال می‌گذرد باری نبوده است که با ایشان صحبتی پیش آمده باشد (حتی تلفنی) و آگاهی نوینی نیاموخته باشم. به قول شاعر «چه به از لذت همصحبتی دانانی».

نیکبختی من آن بود که ده سال آزرگار از خدمت رسمی را در کنار ایشان و در کار فنی کتابداری گذرانیدم و از ایشان هر دم نکته‌ای یاد گرفتم. خوشبختی بیشترم آنکه چون کارمان پایان می‌گرفت شش روز هفته را برای رفتن به خانه، از دانشگاه تا چهارراه کافه شهرداری، همراه بودیم. قدم‌زنان که راه می‌آمدیم باز گفت‌وگویمان بر سر نسخ خطی، کتاب تازه، رساله نایاب، کراسه مندرس، سند تاریخی، مقاله تحقیقی و مجله‌های خاورشناسی یا اقوال و آثار بزرگان پژوهش معاصر بود.

پس از آن نوزده سالی که من در بخشهای دیگر دانشگاه به خدمت رفتم و همچنین در شانزده سال اخیر حقه مهر ایشان بر همان نشان پیشین بر جای بود و دمی و موردی پیش نیامد که از ارشاد و مساعدت و همکاری کوتاهی کند، چه در سفرهای بسیاری که باهم در ایران و کشورهای دیگر داشتیم و چه در خانه یکدیگر یا در کنگره‌ها و مجالسها و جلسه‌های فرهنگی و دانشگاهی و کمیسیونهای فنی که مناسب حال و ذوقمان بود. ایشان همیشه و همه جا همه را از گنجینه دانش کم مانند و خزانه حافظه مالا مال خود بهره‌ور می‌ساخت و باری نبوده است که درباره نسخه‌های خطی خاموش مانده باشد. دانش دریایی است که آرامی پذیر نیست. همواره باید موج بر سرآورد تا آنچه در دل نهفته دارد به تشنگان ساحل برساند.

شوق دانش دریافتن نوادر علمی و بازگفتن آنها عشقی است جاودانه و پایان ناپذیر که ذهن و جان او بدان عجین شده. نه زمان می‌شناسد نه مکان، نه خاورشناس خارجی و نه ایران‌شناس خودی. او به هر کجا سفر کرد این ولع و عشق بیکرانه و پایدار را با خود همراه داشت. ناچارم از میان خاطره‌های بسیار زیادی که دارم چهار حکایت را اگرچه ممکن است برای بعضی خواننده و تکراری باشد بازگو کنم، تا مگر اشارتم رساتر شود.

حکایت اول این است که دکتر زریاب و دانش و مرحوم حسین محجوبی اردکانی از سوی اداره انتشارات دانشگاه برای مشارکت در سمینار نسخه‌های خطی که در کابل برگزار می‌شد به آنجا رفتند. زریاب گفت چون در فرودگاه کابل در تاکسی نشستیم و سر صحبت‌مان با راننده باز شد دانش بی‌تابانه از راننده تاکسی که مردی ساده بود پرسید بازار نسخه خطی فروشان کجای شهرست. طبعاً راننده «هاج و واج» ماند و به مطلب دیگری پرداخت.



شهرتیز - شهردور ۱۳۵۴ - از راست دکتر علی بلوکاشی - دکتر محمدامین ریاحی - دکتر ضیاءالدین سجادی - کلووس جهانداری - نورانی وصال - زنده باد مجتبی مینوی
دکتر محمد تقی دانش پزوه - دکتر مهدی محقق - عبدالرحمان عمادی - دکتر اصغر مهدوی - زنده باد حبیب یغمایی و دکتر سیدجعفر شهیدی.

حکایت دوم روایتی است که از یکی از مهمانداران دانش در باکو شنیده شده است. که گفته بود سالی که فرهنگستان علوم آذربایجان ایشان را دعوت کرده بود پیشاپیش برنامه‌ای را تنظیم کرده بودند که در آن، دیدار از مؤسسات مناسب حال ایشان و ضمناً چند جای گردش و نمایشی هم گنجانیده شده بود. اما دانش با دیدن آن برنامه گفته بود من خواستار سه چیز بیش نیستم. کتابخانه، مسجد و گورستان. به یک کلام به سراغ کتاب آمده‌ام و کتابه (کتیبه).

اتفاق سوم آن که خودم شاهد بودم در لندن روی داد. مرحوم مینوی بود و دانش و احمد اقتداری و من. به کتابفروشی رفته بودیم. دانش کتابی را آنجا یافت که سالها مشتاق به دست آوردنش بود. چون کتاب را یافت و کتابفروش در بهای آن هشت پوند خواستار شد او یک اسکناس بیست پوندی داد و بی تابانه به بازکردن کتاب و خواندنش پرداخت. کتابفروش به جای دوازده پوند، هشت پوند بازپس داد. مینوی که روبرو و ناظر قضیه بود از بی توجهی دانش برآشفته و گفت آقای دانش پژوه چرا مواظب نیستید. این آقا باید دوازده پوند به شما داده بود. اقتداری به شوخی گفت آقای که مینوی ناراحت مباشید. علت این است که اسکناسها چاپی است نه خطی.

چهارمین حکایتی که عرض می‌کنم مربوط است به سفری که با مرحوم اللهیار صالح و دانش به کاشان می‌رفتیم تا نسخه‌های خطی چند کتابخانه آنجا را ببینیم. پسینی بود که از تهران راه افتادیم و چون دیرشب شد برای آرمیدن به سوی باغ برادر صالح در آران که فرسنگی بیش، از شهر کاشان دور دست نیست رهسپر شدیم. راه میان کاشان و آران که کویری است در آن سالها اسفalte نبود و همیشه رگه‌هایی از ریگ روان آن را می‌پوشید. در تیرگی شب اتوموبیل به سختی در ریگ فرورفت و از حرکت باز ماند. ناچار پیاده شدیم. من از گوشه و کنار مقداری شاخه بوته گز و فیچ کندم که زیر چرخها بخوابانم تا مگر اتوموبیل حرکت کند. دانش که بالای سر من ایستاده بود با نگرانی و التهاب به مرحوم صالح گفت آقای صالح اگر ماشین راه نیفتد فردا چگونه به دیدن و فهرست‌نویسی نسخه‌ها برویم. مرحوم صالح گفت آقای دانش پژوه اکنون به فکر آن باشید که اگر ماشین راه نیفتاد درین صحرا چه باید کرد.

باری این وجود عاشق، اما پرتوان و دانش پرست که در یافتن و دیدن و فهرست کردن و بازنویستن و چاپ کردن نسخه‌ها و اسناد قدیم کوششی مستمر از سال ۱۳۲۴ (سال انتشار مجله جلوه) تاکنون داشته است (یعنی پنجاه سالی که خواب نبوده است) بیش از پنجاه شصت متن کهن و نزدیک به صد رساله نادر فراموش شده را از میان هزارها عنوان کتاب برگزیده و به چاپ رسانیده و افزون از سیصد مقاله در مجله‌های ایران و جهان نوشته و بی هیچ گزاره چهل پنجاه هزار نسخه خطی را در چهارگوشه جهان دیده و برای یافتن آگاهی درباره آنها به هزارها کتاب و مقاله در زبانهای عربی و فارسی و ترکی و روسی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و ایتالیایی حتی گرجی و ارمنی و چه بسا زبانهای دیگر نگریسته و چنان مجموعه عظیمی از فهرستها و متنها و پژوهشها به

دوستاناران فرهنگهای ایرانی و اسلامی عرضه کرده که دانش و کوشش و کارش او را به مرتبت دانشمندی جهانی رسانده است.

اعتبار علمی جهانی* دانش و شناختگی او در مجامع مربوط به مطالعات ایرانی و اسلامی و عربی مخصوصاً به سه کار بزرگ اوست. یکی فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است اعم از فارسی و عربی و ترکی و گاهی اردو و کردی که او یک تنه کمأ و کیفأ کاری بیش از توانائی مرسوم و معمول برای یک فهرست‌نگار را انجام داده است و امروزه نتیجه کار سترگ او در سراسر جهان خاورشناسی، در همه کتابخانه‌ها و مؤسسه‌ها دستمایه پژوهشگران است. و جزین در دنیای کنونی که کتابشناسی و فهرستهای مشترک مقامی والا و اساسی یافته است محققان اسلامی ناچار از آنند که به فهرستهای او بنگرند و حتی در روتشهای کامپیوتری فهرست‌نگاری مآخذ اسلامی، از کارهای او بهره‌ور شوند. کما اینکه بطور مثال بنیاد فرهنگی انقلاب اسلامی که به کار ادغام فهرستهای مختلف پرداخته ناگزیر فهرستهای ایشان را مورد استفاده قرار داده است.

کار مهم دیگر دانش تصحیح و طبع متونی است که هر یک به مناسبتی ضرورت داشته است به چاپ برسد و طبعاً بصیرت و اشراف او در شناخت نسخه‌هاست که با پشتوانه جامعیت علمی او موجب شده است مقداری از متون بالارزش فراموش شده به دسترس پژوهشگران بیاید.

سه دیگر پژوهشهای منفرد اوست که بیشتر در زمینه‌های منطقی و فلسفی و کلامی و بررسی آراء و عقاید متفکران اسلامی انتشار یافته است و باید دانست که او در شناساندن کارهای ارسطو و فارابی و ابن سینا و ابن کمونه و ابن رشد و ابن میمون و غزالی و ناصر خسرو و خواججه نصیر و باباافضل کاشانی و ملاصدرا و ملامحسن فیض و سی‌چهل دانشمند دیگر ازین رسته گفتارهای معتبری دارد که در مقالات و تحقیقات خاور شناسان استناد بدانها شده است و می‌شود و برای ایران مایه مباهات است.

باز می‌گردم به زمینه فهرست‌نگاری او. این خدمت وسیع دانش تنها منحصر بدان نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه‌ها پرداخته باشد. کارگران او در این است که با توجه ژرف و همه جانبه به آنچه در یکصد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهدی که در مآخذ خودمان و از میان اصل نسخه‌ها برمی‌آید قواعد و فنون فهرست‌نگاری را تبیین کرده و حتی در مواردی تغییر داده و اسلوبی روشمند و متناسب را عرضه کرده است. او با توجه به میانی فهرست‌نویسی از میان چهل پنجاه هزار نسخه متفاوت الشکل دقایقی را به دست آورده است که مبلغی از آنها پیش از این به نظر فهرست‌نگاران نیامده بود. مثلاً ذکر مشخصاتی از قبیل عرض، کراسه، اجازه، بلاغ مقابله، انهاء و یادداشتهای مذکور در اول و آخر نسخه‌ها از قبیل بهای نسخه و طرز خریداری و تملکهای متفاوت و مطالب دیگری ازین دست. جزین، در معرفی متن و مطلب، در بسیاری از موارد آنچه او نوشته است هنوز آخرین تحقیق در احوال یا آثار فلان مؤلف تواند بود. قصد نهایی و اصلی دانش از نسخه‌شناسی رسیدن به مرحله کتابشناسی و بالمآل متن‌شناسی است. نمونه کوششهای والائی که درین زمینه‌ها از او دیده می‌شود کتابشناسی کتابهای موسیقی،



○ دانشکده علوم - تهران - ۱۳۲۵ - روبروی محل قدیم کتابخانه مرکزی در زیرزمین از راست: ایرج افشار - زنده یاد مجتبی مینوی - دکتر محمد تقی دانش پزوه.

فهرستواره فقه، فهرستهای خاص کتب اخلاق و سیاست، ترسلات و منشئات (دبیری)، پیمان نامه ها، گنجوری و کتاب آرایبی است. درین گونه کتابشناسیها اغلب نظر ارزشیابی او مندرج است. شمار نسخه ها و مأخذ متنوع اساسی معرفی شده و مشخصاتی از مؤلف آمده و درحقیقت فهرستی است که سرگذشتنامه و کتابشناسی در آن به هم آمیخته است، همان چیزی که در اصطلاح فرنگی Bio Bibliography گفته می شود.

دانش در مواردی که کیفیت نسخه یا اهمیت موضوع یا هویت مؤلف در مراجع و منابع دیگر نیامده باشد به تفصیل می پردازد و دامنه گیری فهرست را درست می داند. حقیقه بعضی از نوشته های او که در لابلای فهرستهای مستورست و به عبارت بهتری گم گشته مانده (مانند بسیاری از نوشته ها در جلد سوم فهرست نسخه های اهدایی مشکوة به دانشگاه تهران که یادش به خیر یاد) از پژوهشهای پرارزش اوست. بطور مثال یاد می کنم از آنچه درباره صریح الملک، جمال الاسلام یزدی مؤلف نامه همایون، یا رستم الحکما و مؤلفات او بطور استطرادی در فهرس خود آورده است.

دانش در زمینه گردآوری نسخه های خطی، اعم از خریداری یا تهیه میکروفیلم از نسخه های پراکنده در جهان کوششی عجیب و وسیع کرد. سه جلد فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی که هم او آن را تألیف کرده نشانه ای است از کوشش سالهای دراز درین راه و هدف. البته باید گفت که مرحوم مجتبی مینوی و استادم دکتر ذبیح الله صفا هم در تهیه میکروفیلم از کشورهای ترکیه و اروپا زحمات زیاد متحمل شده اند و یادخیرشان نباید فراموش شود.

خدمت دیگر دانش تدوین نشریه نسخه‌های خطی است که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ناشر آن است. برای اینکه حقی از میان نرود و یادی از دانشمندی نسخه‌شناس به میان آمده باشد باید عرض کنم که فکر تأسیس و نشر این نشریه در سال ۱۳۳۶ پیش آمد. زمانی که دکتر صلاح‌الدین المنجد کتابشناس و دانشمند مشهور عرب مدیر وقت معهدالمخطوطات العربیه در قاهره به دعوت ایران در تهران بود و می‌دانیم که او خود مؤسس مجله المخطوطات العربیه بود که هنوز هم منتشر می‌شود. یکی از روزها که با او و دانش در خیابان نزدیک باشگاه دانشگاه قدم می‌زدیم منجد به ما گفت ضرورت علمی ایجاب می‌کند در ایران هم نشریه‌ای که معرف نسخه‌های خطی کتابخانه‌های کوچک بی‌فهرست و اطلاعات مرتبط با نسخه‌ها باشد منتشر سازید تا اهل علم بدانند که در کتابخانه‌های پراکنده خصوصی و عمومی کشور شما چه نفایسی مخزون مانده است. این مطلب را چند روز بعد به دکتر ذبیح‌الله صفا که در آن اوقات رئیس اداره انتشارات دانشگاه بود عرضه داشتیم. ایشان بی تأملی فرمود مطالبی را که می‌دانید مفیدست گرد آورید و به من بدهید تا چاپ شود. اکنون شماره‌های نشریه به دوازده رسیده است و بی‌گمان هفتاد درصد صفحات آن مطالبی است که از زیر قلم دانش بیرون آمده و معرفی نسخه‌هایی است که او اینجا و آنجا دیده بوده است، از جمله در کتابخانه‌های مختلف روسیه و اقمار آن و امریکا و ممالک اروپایی. افسوس که این نشریه چندسالی است متوقف شده است.

خدمت دیگر دانش همکاری در طرح فهرست‌نویسی نسخه‌های کتابخانه‌های شهرستانهاست که انجمن آثار ملی پیشین هزینه‌های آن را پذیرفته بود و سه جلد از آن مربوط به فهرست ده کتابخانه عمومی مشهد و رشت و همدان و چند کتابخانه خصوصی بود که در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین منتشر شده است.

خدمت دیگر دانش مشارکت در جلسات تقویم نسخه‌های خطی از جمله برای کتابخانه‌های مجلس‌های شور و سنای قدیم و دانشگاه‌های تهران، همدان، مشهد و چندجای دیگرست و باید عرض شود که همیشه در آن جلسه‌ها، دیده‌ها متوجه آن بود که از زبان دانش شنیده شود آیا نسخه دیگری از نسخه عرضه شده در گوشه‌ای از جهان هست یا نیست. اگر هست از کدام قرن است و در مقام تطبیق میان نسخه عرضه شده و آن نسخ چه تفاوتها وجود دارد تا بتوان برای ارزش مالی نسخه، معیارسنجی کرد.

درباره توانایی شگفت‌آور و شکیبایی دانش در فهرست‌نویسی همین بس که گفته شود که فهرستهای کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تهران و عده‌ای از دانشکده‌های آن و مدرسه سپهسالار را (که البته قسمتی با همکاری دکتر علی‌نقی منزوی انجام شده) در مدت ده سال به انجام رسانید و پس از آن مدت شش سال در فهرست‌نویسی کتابخانه‌های ملک و مجلس و کتابخانه‌های خصوصی صرف وقت کرد و چون صبحها در کتابخانه دانشکده حقوق موظف بود تاگزیر از آن بود که بعد از ظهرها چه در زمستان سرد و چه در تابستان گرم کار دلپذیر خود را دنبال کند. بطور مثال مدت قریب به پنج سال معمولاً هفته‌ای دو سه روز بعد از ظهرها از خانه‌اش که بالا‌های خیابان یوسف‌آباد

بود خود را با اتوبوس به خانه من در چهارراه کالج می‌رسانید تا به کتابخانه ملی ملک در بازار بین‌الحریمین برویم و خدمتی را که به معرفی و تشویق مرحوم دکتر علی اکبر سیاسی تبعه کرده بودیم به پایان برسانیم. البته بخشی از مقدمات کار با همکاری تنی چند از فضلا از جمله آقایان دکتر محمدباقر حجتی و احمدمنزوی سرانجام یافت. باهمین پشتکار و دلبستگی بوده است که دانش پژوه سی‌چهل کتابخانه بزرگ و کوچک را فهرست کرده و فهرستهای آنها را به چاپ رسانیده است.

زحمات و خدمات و تفکرات دانش در زمینه نسخه‌های خطی و فهرست‌نویسی بی‌گمان می‌تواند موضوع رساله‌ای در رشته کتابداری باشد که امیدوارم روزی صاحب وقوفی به این نکته عنایت کند.

گفتیم خدمت گرانقدر دیگر دانش تصحیح و طبع متون کهن است. کوشش او همواره درین زمینه بر آن بوده است که نایبها، ناشناخته‌ها، گمشده‌ها، و بالاخره مؤثرها را چاپ کند. او با ذهن گورشناس و دانشی جوهر خود توانسته است متونی را که حاوی آراء و عقاید فیلسوفان و متکلمان، اقوال و مقامات صوفیان و عارفان، مسائل و آثار ریاضی‌دانان و منطقیان، منشئات و مکاتبات مترسلان و دبیران، وقایع و حوادث مضبوط توسط مورخان و وقایع‌نگاران است، حتی رساله‌ها و مقامه‌ها و خطابه‌ها و بندهایی نظیر طاووس‌خانه اصفهان، تعداد قشون ایران در عهد شاه سلطان‌حسین، عطرنامه علائی، قوس نامه و بازنامه، اسب نوبتی بر در کاخ ابومسلم، نامه آفته‌ها به آشفته‌ها، کتاب شویان را به چاپ برساند که از هر یک نکته‌ای تاریخی یا مطلبی اجتماعی به دست می‌آید.

برای اینکه گوناگونی و دامنه گسترده کارش را نموده باشم درین فرصت کوتاه ناچارم نمونه شمار و فهرست‌وار مقداری از چاپکرده‌های برجسته او را بر شمارم:

در معارف اسلامی (فقه و کلام و حدیث و ملل و نحل و فلسفه و حکمت) (النکت الاعتقادیة، معتقدالامامیة، کسراصنام الجاهلیة، النهایة، مختصرنافع، بحرال فوائد، النجاة، حکمت اشراق ریزی، شرح شهاب الاخبار، جام جهان‌نما یا ترجمه تحصیل بهمنیار (باهمکاری دانشمند گرامی آقای عبدالله نورانی)

در منطق: تبصرة ساوی و رسائل متعدد از عده‌ای دانشمندان پیشین. گرانتر و جهانی‌تر از همه مجموعه سه جلدی المنطقیات فارابی است که در سالهای اخیر موفق به انتشار آن شده است. در علوم و فنون: رسائلی از خواجه نصیر، دو رساله در آثار علوی، الاسرار و سرالاسرار رازی، تجارب شهریاری، یواقیت العلوم، نوادرالتبادر.

در پزشکی: مفتاح الطب و دو بخش ذخیره خوارزمشاهی.

در عرفان و تصوف: روزبهان نامه، آثار درویش طهسی، مناقب الصوفیه.
در اخلاق و سیاست: اخلاق محتشمی، اخلاق ظهیری، الادب الوجیز، اخلاق نیشابوری،
تحفه.

در تاریخ: بخش‌های اسماعیلیه جامع‌التواریخ و زبدة‌التواریخ، مکاتیب رشدالدین فضل‌الله
همدانی، تاریخ الوزراء قسی.

برای اینکه بدانید اکنون چه می‌کند ترجمه قدیم الاحکام السلطانیة ماوردی (با همکاری
چنگیز پهلوان)، نه‌ایة‌العرب، بستان العقول زنگی بخاری، مجمل‌الحکمه (ترجمه رسائل اخوان
الصفا)، مقامات یازید بسطامی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجتبی مینوی را زیر چاپ دارد.

دانش پژوه به مناسبت خدمات درخشان علمی در سال ۱۳۴۸ که پرفسور فضل‌الله رضا رئیس
دانشگاه بود به مرتبت دانشیاری دانشگاه برگزیده شد و چندی نگذشت، آنکه استاد بود، پیش از
آنکه بازنشسته شود عنوان استادی یافت. اما او تدریس دانشگاهی را در چند رشته حدود ده سال
پیش از آن آغاز کرده بود و در این سالهای دراز در دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم
انسانی درس گفته بود و خوشبختانه هنوز هم دانشجویانی چند از محضر پربرکت او بهره‌مندند.

ناگفته نمی‌توان گذاشت که گوشه‌ای از کوشش دانش در برگزیدن بعضی از متون پیشین برای
چاپ، ارزشمندی زبان فارسی پرمایه آنها و احتواء هر یک بر مقداری کثیر از واژه‌های نایاب و
فراوش شده‌ای است که همگی معشوقگان دانش پژوه‌اند. طرفه‌تر آنکه هرچه دیرینگی و کهنی آنها
بیش باشد برای او پسندتر بیش بهاترند او همیشه به تأکید گفته است که با به دست آوردن این گونه
نوشته‌ها و تازه ساختن واژه‌های دیرینه در زبان کنونی، بر غنای زبان افزوده خواهد شد و در ساختن
واژگان معادل برای مفاهیم جدید می‌توان از آنها سود جست.

از شما بزرگواران که بردباری کردید تا یادداشتم به پایان رسید سپاسگزارم. امیدوارم همگی
برای تندرستی و شادکامی این دانشمند کم مانند که نامش در زمینه پژوهشهای ایرانیان جهانی شده
است به درگاه پروردگار دعا کنید.

● اکنون که این نوشته چاپ می‌شود به یادم آمد که به همین مناسبات بوده است که انجمن آسیایی
فرانسه او را به عضویت افتخاری خود خوانده‌اند.